فصلنامه مطالعات کاربردی در علوم اجتماعی و جامعه‌شناسی
سال نهم، شماره ۳ (پیاپی: ۳۵)، پاییز ۱۴۰۴

تأثیر اعتیاد والدین بر بزهکاری فرزندان: یک مطالعه مرور سیستماتیک و متاآنالیز

مهین کمالی[۱]

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۴/۰۱
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۵/۱۲
کد مقاله: ۶۲۳۳۳

چکـیده

بزهکاری فرزندان یک مشکل جدی بهداشت عمومی است که هزینه‌های عاطفی و مالی قابل‌توجهی را برای خانواده و جامعه به همراه دارد. یکی از عوامل مؤثر بر بزهکاری فرزندان، اعتیاد والدین می‌باشد. هدف اصلی این مطالعه سیستماتیک و متاآنالیز بررسی مطالعات انجام شده در زمینه ابعاد مختلف تأثیر اعتیاد والدین بر بزهکاری فرزندان می‌باشد. بدین منظور جستجوی مقالات با واژگان کلیدی رفتارهای پرخطر، رفتارهای مجرمانه، اعتیاد، ساختار خانواده، والدین، نوجوانان، فرزندان، بزهکاری، جرم پذیری، آسیب‌شناسی در پایگاه‌های اطلاعاتی شامل پایگاه مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی (SID) ، بانک اطلاعات نشریات کشور (مگیران)، جویشگر علمی فارسی (علم نت)، پایگاه مجلات تخصصی نور (نورمگز) و Google Scholar انجام شد. در نهایت با بررسی ۳۲ مقاله و غربالگری آن‌ها با بررسی عنوان، چکیده و متن مقاله در نهایت تعداد ۱۰ مقاله که بیشترین ارتباط موضوعی را با این مطالعه داشتند، انتخاب شدند. تجزیه و تحلیل نتایج مقالات منتخب نشان می‌دهد که اعتیاد والدین از سه جنبه کاهش انسجام و پیوستگی خانواده، غفلت نسبت به فرزندان و افزایش استرس و خشونت در خانواده بر بزهکاری فرزندان تأثیر دارد.

واژگـان کلـیدی: والدین، فرزندان، اعتیاد، بزهکاری.

۱- کارشناس ارشد آموزش ابتدایی و آموزگار شاغل در آموزش و پرورش
mhynkmaly711@gmail.com

۱- مقدمه

نوجوانی دوره‌ای است که با آسیب‌پذیری روانی اجتماعی بالا مشخص می‌شود (هاتانو و همکاران، ۲۰۱۸)[1]. نوجوانی دوره رشدی است که فرد درگیر کاوش‌های شخصی و بین فردی زیادی برای درک خود، افراد مهم و دنیای اجتماعی خود می‌باشد. به‌طور همزمان، بسیاری از تغییرات فیزیکی، رفتاری و شناختی نیز در سال‌های نوجوانی رخ می‌دهد. علاوه بر این، در این دوره رفتارهای ریسک‌پذیر در نوجوانان زیاد بوده و گاهی با اعمال و رفتارهای غیرقانونی همراه است (گونزالس و همکاران، ۲۰۱۷)[2]. نوجوانانی که رفتارهای بزهکارانه قابل‌توجهی انجام می‌دهند در معرض خطر بالایی برای تجربه پیامدهای مضر متعدد در بزرگسالی از جمله مشکلات سلامت روانی و جسمی، بیکاری و مشکلات روابط هستند (پاردینی و همکاران، ۲۰۱۶)[3]. رفتارهای مجرمانه و پرخاشگرانه در نوجوانی اغلب به‌منظور دستیابی به استقلال و خودمختاری (پیگرو و همکاران، ۲۰۱۳)[4] و ساختن هویت فردی است که به‌طور همزمان توسط سیستم خانواده و محیط اصلاح می‌شود (ویلوگبی و همکاران، ۲۰۱۴)[5]. ارزیابی رفتارهای پرخطر در نوجوانی نیازمند در نظر گرفتن عوامل فردی، خانوادگی و محیطی است (لوسل و فرینگتون، ۲۰۱۲)[6]. رفتارهای پرخطر نوجوان می تواند با تصویر نوجوان از خود مرتبط باشد؛ بنابراین، اگر نوجوانان تائید مثبتی در مورد بزهکاری، رفتار ضداجتماعی یا سوءمصرف مواد دریافت کنند، احتمال بیشتری دارد که این نگرش‌ها را در بزرگسالی حفظ کنند (جولیف و همکاران، ۲۰۱۷) [7]و آن‌ها را با رفتارهای درونی مانند احساسات خشم، ترس و تنهایی و غیره و یا رفتارهای بیرونی، مانند اقدامات غیرقانونی و تهاجمی علیه افراد یا اموال را از خود نشان دهد (مویلان و همکاران، ۲۰۱۰)[8]. در این منظر، نظام خانواده نقش عامل حفاظتی یا خطر را نسبت به نوجوان به‌ویژه در جو خانواده، ارتباطات و حمایت والدین بر عهده دارد؛ بنابراین در ارزیابی رفتارهای پرخطر نوجوانان، در نظر گرفتن شرایط رشد آنان مهم است (جانستون و همکاران، ۲۰۱۷، ۲۰۱۸)[9]. وجود مجموعه‌ای از عوامل خطر و شرایط نامطلوب در دوران کودکی منجر به بزهکاری اولیه و تداوم آن می‌شوند. عوامل بسیار زیادی وجود دارند که با توسعه رفتار بزهکارانه نوجوانان در مطالعات طولی و مقطعی مرتبط شده‌اند. مطالعات طولی نشان می‌دهد که وقتی نوجوانان شروع به جمع‌آوری طیف متنوعی از عوامل خطر در طول رشد می‌کنند، به احتمال بسیار زیادی درگیر رفتار ضداجتماعی مداوم می‌شوند. به‌عنوان مثال، کودکانی که با مشکلات عاطفی و رفتاری نامناسبی مواجه هستند و در معرض محیط‌های اجتماعی و فیزیکی نامطلوب و ناسازگار (مثلاً محله‌های فقیر، تربیت خشن والدین) قرار دارند در معرض خطر بالایی برای مشکلات رفتاری شدید در اوایل دوران کودکی هستند. این کودکان با مهارت‌های اجتماعی و تحصیلی ضعیف وارد مدرسه شوند که منجر به درگیری‌های تهاجمی آن‌ها با هم همسالان و معلمان می‌شود. با گذشت زمان، ممکن است شکست تحصیلی را تجربه کنند و توسط همسالان خود طرد شوند که این موضوع می‌تواند منجر به افزایش وابستگی به جوانان با رفتارهای بزهکارانه شوند که رفتارها و باورهای ضداجتماعی آن‌ها را تقویت می کنند (پاردین، ۲۰۱۶).

قشر نوجوان با نقشی که در پویایی، تداوم حیات نظام اجتماعی، رشد و توسعه آینده یک جامعه دارد به عنوان سرمایه اصلی هر کشوری محسوب می شود و بزهکاری می تواند یکی از مانع رشد و شکوفایی استعداد های فردی نوجوان و توسعه یک شهر و کشور باشد. مطالعات انجام شده حاکی از افزایش میزان وقوع جرایم و بزهکاری در نوجوانان است (فاطمی و همکاران، ۱۳۹۵). بنابراین درک بهتر رفتار بزهکارانه نوجوانان و علل موثر در تشدید آن برای اطلاع‌رسانی و تلاش بیشتر برای جلوگیری از پیامدهای منفی ناشی از این رفتارها نه‌تنها برای نوجوانان، بلکه برای سایر افراد تحت تأثیر آن‌ها و جامعه نیز مهم است (فازل و همکاران، ۲۰۰۸)[10]. این مطالعه به بررسی جنبه‌های مختلف اعتیاد والدین بر ایجاد رفتار بزهکارانه فرزندان می‌پردازد.

۲- ادبیات نظری پژوهش

۲- ۱- نظریه معاشرتهای ترجیحی

1. Hatano et al., 2018
2. Gonzales et al., 2017
3. Pardini et al., 2016
4. Pigott et al., 2013
5. Willoughby et al., 2014
6. Lösel & Farrington, 2012
7. Joliffe et al., 2017
8. Moylan et al., 2010
9. Johnston et al., 2017, 2018
10. Fazel et al., 2008

یکی از معروف ترین نظریه های تبیین رفتار مجرمانه، نظریه معاشرتهای ترجیحی می باشد که توسط ساترلند (۱۹۵۰– ۱۸۸۳) [۱] ارائه گردید. این نظریه بر مبنای رفتارهای مجرمانه ای که در همکنش با دیگران به وجود می آید و ارزش هایی که از آنان دریافت می شود ، است. در این نظریه ، مبنای و منشا دریافت ارزش ها ، "گروه های صمیمی" است که بارزترین این گروه ها خانواده و والدین می باشد . ارزش هایی که فرد دریافت می کند همسو یا غیر همسو با رفتارهای مجرمانه ای است که با آن مواجه می شود. اگر ارزش ها برخلاف رفتار مجرمانه باشند آنگاه فرد قانون مدار بوده و از ارتکاب جرم خودداری می کند و اگر ارزش ها از رفتارها مجرمانه حمایت کنند آنگاه جرم رخ خواهد داد. بنابراین اگر خانواده از لحاظ ساختار، ویژگی های والدین و سایر شرایط نامساعد و آسیب پذیر باشد می تواند به عنوان یک گروه صمیمی که در این نظریه بیان شده است، به طور مستقیم و غیرمستقیم بر ارزش های رفتاری ای که بر فرایند مجرمانه شدن فرزندان موثرند ، تاثیر بگذارد و یا اینکه در توازن وزنی بین ارزش هایی که حامی قانون هستند در مقابل ارزش های نقض قانون هستند نتواند تعادل برقرار کند و از این سو قانون گریزی را در فرزندان تقویت کند (گل خندان، ۱۴۰۱).

۲- ۲- نظریه کنترل اجتماعی

معروف ترین نظریه کنترل اجتماعی که توسط هیرشی (۲۰۱۷– ۱۹۳۵)[۲] ارائه شد و این نظریه به نظریه قیود اجتماعی نیز معروف است . در این نظریه مطرح شده است که علت همنوایی یا بزهکاری در افراد از درجه پیوند میان افراد و جامعه آنها تاثیر می پذیرد. مهم ترین مؤلفه ی این پیوند ، وابستگی عنصر اصلی و ضروری است که به داشتن احساس محبت و حساسیت نسبت به دیگران گفته می شود و به ارزش ها و نقش ها جهت می دهد. بر اساس این نظریه وابستگی به گروه های اجتماعی از جمله خانواده، با آگاهی و درک رفتار و عقاید دیگران، احتمال ارتکاب جرم و رفتار بزهکارانه را کاهش می دهد. و بالعکس با افزایش این وابستگی نسبت به گروه های بزهکار در فرد ، احتمال ارتکاب جرم در او افزایش می یابد . بنابراین اگر در خانواده ای ، اعضای خانواده بزهکار یا دارای اعتیاد باشند و احتمال وقوع رفتارهای نامناسب و حوادث نامطلوب مانند فوت، طلاق و غیره در این خانواده زیاد باشد، وابستگی بین اعضای خانواده کاهش یافته و احتمال بزهکاری فرزندان بیشتر است (گل خندان، ۱۴۰۱).

۲- ۳- نظریه دلبستگی

این نظریه توسط بالبی (۱۹۹۰– ۱۹۰۷) [۳] و بر اساس پیوند عاطفی و دلبستگی بنا شده است. بالبی بیان می دارد که دلبستگی حیاتی بوده و ایجاد دلبستگی، احساس امنیت را در فرد به دنبال دارد. این مفهوم به خوبی در حوادث بحران زا مانند جدایی والدین ، فوت پدر و مادر، جانشین های والدین مانند پدر یا مادر ناتنی یا شخصیتهای مشابه قابل مشاهده است زیرا اضطراب و استرس زیاد ، تحمل بی ثباتی و ارتباط عاطفی ایجاد شده می تواند شرایطی را به وجود آورد که زمینه مساعدی برای بروز جامعه ستیزی باشد . وابستگی فرد به رفتار والدین و توجه هرچه بیشتر آن ها به فرزند موجب تقویت ارزش ها و هنجارهای درونی و از سوی دیگر توجه و وابستگی کمتر با احتمال بیشتر پشت کردن به ارزشها و هنجارها و در نهایت بزهکاری است . مطابق با نظریه بالبی، دلبستگی یک فرایند غریزی است . این کشش غریزی نسبت به والدین موجب می شود تا در هنگام عدم حضور آن ها و کمرنگ شدن نقش آن ها در زندگی فرزندان، اضطراب و استرس ایجاد شده موجب شکل گیری یک شخصیت بی عاطفه و ضداجتماعی نشود (گل خندان، ۱۴۰۱).

۳- روش کار

این پژوهش توصیفی بوده و با توجه به روش اجرا مروری است . جامعه آماری مطالعه ، کلیه مقالات معتبر داخلی و خارجی حاصل از مطالعات کمی و کیفی در خصوص تأثیر اعتیاد والدین بر بزهکاری فرزندان است که طی سال‌های ۱۳۸۵– ۱۴۰۲ و ۲۰۰۵ تا ۲۰۲۲ به چاپ رسیده‌اند. پایگاه‌های اطلاعاتی شامل پایگاه مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی[۴] (SID)، بانگ اطلاعات نشریات کشور (مگیران)، جویشگر علمی فارسی (علم نت)، پایگاه مجلات تخصصی نور (نورمگز)[۵] و [۶] Google Scholar به‌منظور دسترسی به مقالات جستجو شدند. از کلیدواژه‌های فارسی رفتارهای پرخطر، رفتارهای مجرمانه، اعتیاد، ساختار

1. Edwin H. Sutherland (1883–1950)
2. Travis Hirschi (1935–2017)
3. John Bowlby (1907–1990)
4 Scientific Information Database (SID)
5 Noor Specialized Journals Database (Noormags)
6 Google Scholar

خانواده، والدین، نوجوانان، فرزندان، بزهکاری، جرم پذیری، آسیب‌شناسی با ترکیب احتمالی مختلف آن‌ها و همچنین معادل انگلیسی آن‌ها برای جستجوی مقالات در پایگاه‌های نامبرده استفاده گردید.

استراتژی جستجو در منابع، جستجو در عنوان، چکیده و کلیدواژه‌های مقالات بود. مقالات در چند مرحله با توجه به اهداف پژوهش با بررسی عنوان، چکیده و متن کامل آن‌ها غربالگری شدند و مقالات نامرتبط و تکراری حذف گردید. تعداد مقالات منتخب ابتدایی ۳۲ مقاله بود که در نهایت پس از غربالگری ۱۰ مقاله شامل ۵ مقاله فارسی و ۵ مقاله انگلیسی انتخاب شد.

۴- یافته‌ها

در جدول ۱ خلاصه مطالعات منتخب ارائه شده است. بررسی مطالعات نشان داد مصرف مواد توسط والدین با پیامدهای زیانباری برای فرزندانشان از جمله افزایش بزهکاری مرتبط است. استفاده از مواد توسط والدین با بزهکاری نوجوانان و اختلالات بیرونی همراه می‌باشد و مطالعات نشان می‌دهد که فرزندان والدینی که دارای اختلالات مصرف مواد مخدر و الکل هستند بیشتر احتمال دارد که مرتکب خشونت شوند. مشاهده شد که اعتیاد والدین و به‌ویژه پدر از سه جنبه بر فرزندان و شدت و تداوم بزهکاری در آنان تأثیر دارد که شامل کاهش انسجام و پیوستگی خانواده، غفلت نسبت به فرزندان و افزایش استرس و خشونت در خانواده می‌باشد. در ادامه به تشریح جنبه‌های فوق‌الذکر پرداخته شده است.

جدول ۱- خلاصه مطالعات بررسی شده در ارتباط با بزهکاری فرزندان

نویسندگان (سال)	موضوع	نوع مطالعه	نتیجه
گل خندان (۱۴۰۱)	رابطه ساختار خانواده با بزهکاری اطفال و نوجوانان	کمی	بزهکاری نوجوانان با ساختار خانواده و ویژگی‌های والدین رابطه دارد.
متقی قمصری و رستمی (۱۳۹۸)	تأثیر اعتیاد والدین بر آسیب‌های روانی فرزندان	کیفی	اعتیاد والدین موجب مشکلات در عملکرد تحصیلی، اختلالات درونی سازی، برونی‌سازی و عملکرد هیجانی و اجتماعی می‌شود.
سلطانی و همکاران (۱۳۹۴)	تأثیر اعتیاد و طلاق والدین بر بزهکاری فرزندان	کمی	بین اعتیاد و طلاق والدین ر بزهکاری فرزندان رابطه مثبت وجود دارد.
سیف اله و همکاران (۱۳۹۴)	عوامل خانوادگی مؤثر در گرایش نوجوانان ۱۸-۱۲ ساله به بزهکاری	کمی	عوامل خانوادگی در گرایش نوجوانان به بزهکاری تأثیرگذار است.
فاطمی و همکاران (۱۳۹۳)	بررسی نقش خانواده در بزهکاری فرزندان	کمی	نظارت خانواده و دلبستگی والدین بیشترین تأثیر را در بزهکاری فرزندان دارد.
لیپاری و همکاران (۲۰۱۷)	تأثیر خانواده بر بزهکاری و اختلال مصرف مواد بر فرزندان	کمی	میانگین سالانه ۸,۷ میلیون کودک ۱۷ ساله یا کمتر که در خانواده‌های ایالات‌متحده با حداقل یکی از والدین مبتلا به SUD زندگی می‌کنند، گستردگی بالقوه پیشگیری از مصرف مواد و نیازهای درمانی برای کل خانواده را نشان می‌دهد – از درمان سوءمصرف مواد برای بزرگسالان آسیب‌دیده؛ و خدمات پیشگیری و حمایتی برای کودکان.
رانینن و همکاران (۲۰۱۶)	بررسی شیوع خانواده‌های سوئدی که والدین مصرف مواد دارند و اثرات آن بر فرزندان	کمی	تعداد قابل‌توجهی از کودکان در سوئد والدین مبتلا به اختلال مصرف مواد دارند که بر بزهکاری و اعتیاد فرزندان تأثیر دارد.
گیفورد و همکاران (۲۰۱۶)	تأثیر اعتیاد والدین بر احتمال دستگیری کودکان در سنین جوانی	کمی	کودکانی که والدینشان به اتهامات مرتبط با مواد محکوم شده بودند، نسبت به کودکانی که والدینشان محکومیت نداشتند، احتمال دستگیری در بزرگسالی دو برابر بیشتر بود.
پاردینی و همکاران (۲۰۱۶)	راهبردهای مبتنی بر تجربی برای پیشگیری از بزهکاری نوجوانان	کیفی	مؤثرترین مداخلات در پیشگیری از بزهکاری نوجوانان، تمرکز بر رویکردهای درمانی بر خلاف تکنیک‌های کنترل خارجی و استفاده از استراتژی‌های درمان شناختی–رفتاری چندوجهی هستند.
گرکین و همکاران (۲۰۰۵)	اختلالات مصرف الکل والدین و بزهکاری کودکان: اثرات میانجی عملکرد اجرایی و استرس مزمن خانواده	کمی	اعتیاد پدر ممکن است با عملکرد اجرایی کودک و استرس خانواده مرتبط باشد که ممکن است به نوبه خود منجر به بزهکاری کودک شود.

۴- ۱- تأثیر اعتیاد والدین بر پیوستگی خانواده

در نوجوانی، نوجوان هویت خود را شکل می‌دهد که بر شخصیت آینده او تأثیر دارد (اریکسون و اریکسون، ۲۰۱۸). این فرآیند از درونی‌سازی و نمادسازی مدل‌ها و نقش‌هایی که در طول زندگی به عهده گرفته‌اند، نشأت می‌گیرد. محیط مجرمانه یا فقیرانه ، درگیری با جرم، اعتیاد والدین، اقوام یا دوستان و زندگی در شرایط فقر برخی از عوامل اجتماعی اصلی هستند که می‌توانند بر هویت نوجوان تأثیر بگذارند (لمرت، ۱۹۷۴).

نوجوانان بیشتر درگیر رفتارهایی مانند سوء مصرف مواد مخدر و اعمال مجرمانه هستند. این رفتارها نه‌تنها بر افراد ، بلکه بر خانواده ، مدرسه و اجتماع نیز تأثیر می‌گذارد. در نوجوانی ، رفتارهای پرخطر در میان افرادی که دارای شرایط خانوادگی نابسامان هستند و مشکلاتی در روابط با والدین دارند، رایج است (کام و میدلتون، ۲۰۱۳)، اقدامات پرخاشگرانه و پرخطر در میان نوجوانان می‌تواند به‌عنوان روش‌های معمولی برای برقراری ارتباط مورد استفاده قرار گیرد (سالادینو و همکاران، ۲۰۲۰). در خانواده‌ای که والد درگیر اعتیاد می‌باشد، حالات خلقی متغیری دارد و این موضوع موجب می‌شود تا فرصت و زمان لازم را برای ایجاد محیطی سالم و دلبسته از دست بدهد. در محیطی که دلبستگی سالم بین اعضای خانواده برقرار نباشد فرزند نسبت به استرس‌های وارد شده بسیار آسیب‌پذیرتر و حساس‌تر است بنابراین این فرزند در معرض مشکلات روحی و روانی مانند اضطراب و افسردگی و دیگر بیماری‌های ذهنی قرار می‌گیرد (لاندر و همکاران، ۲۰۱۳).

کوکس و پالی (۲۰۰۳) رویکرد سیستمی خانواده را بیان کردند که در این رویکرد هرگاه یکی از اعضای خانواده دچار مشکل می‌شود ، تمامی اعضای خانواده درگیر آن مشکل خواهند شد . در این رویکرد هموستاز ، پسخوراند و مرزها تعریف می‌شوند. هموستاز به گرایش یک سیستم برای جستجوی پایداری و تعادل اشاره دارد. این مفهوم برای فهم تأثیر اختلال سوءمصرف مواد بر خانواده کلیدی است. هر یک از اعضای خانواده گرایش به عملکرد به شیوه‌ای دارد که تعادل سیستم را حفظ کند ؛ حتی اگر آن برای افراد خاصی سالم نباشد . پسخوراند به روش چرخه‌ای که در آن بخش‌هایی از یک سیستم با یکدیگر ارتباط برقرار می‌کنند ، اشاره دارد. فرآیند پسخوراند برای این است که چطور دلبستگی والد کودک شکل گرفته است. مرزها محدودیت‌های درونی و بیرونی یک سیستم را تعریف می‌کنند و برای حفظ انرژی به‌وسیله ایجاد یک مانع حمایتی اطراف سیستم ایجاد شده‌اند . در خانواده آن‌ها تماس بین فردی را تنظیم می‌کنند . در یک خانواده سالم ، مرزها زیرسیستم والدین و زیرسیستم کودک را به‌وسیله جدا کردن آن‌ها از هم احاطه می‌کنند . در یک خانواده‌ای که یکی از والدین اختلال سوءمصرف مواد دارد مرزهای اطراف زیرسیستم والدین و کودک مرزها عموماً نفوذپذیر، هستند مثلاً اینکه زیرسیستم والدین به‌خوبی یک واحد منسجم کارکرد ندارد. مرزهای اطراف خانواده خودشان برای حفظ راز سوءمصرف مواد در خانواده سفت و محکم هستند . مرزهای سالم در تحول طبیعی یک خانواده و کودکان مهم‌اند (لاندر و همکاران، ۲۰۱۳) بنابراین خانواده هم به‌عنوان اولین و اساسی‌ترین نهاد در تشکیل دلبستگی فرزندان و هم به‌عنوان یک سیستم در تربیت و رشد فرزندان نقشی حیاتی داشته و سوءمصرف مواد یا الکل والدین ممکن است تأثیرات مستقیم و غیرمستقیمی بر سلامتی و بهزیستی فرزندان داشته باشد .

۴- ۲- تأثیر اعتیاد والدین بر غفلت از فرزندان

در والدینی که سوءمصرف مواد مخدر دارند کودکان آن‌ها بیش از ۴۰ درصد بیشتر احتمال دارد که مرتکب جنایت خشونت شوند. کودکانی که آزار و اذیت را تجربه کرده‌اند ، بیشتر به اختلالات برونی‌سازی مانند خشم ، پرخاشگری ، رفتار و مشکلات رفتاری مبتلا می‌شوند ، درحالی‌که کودکانی که بی‌توجهی والدین را تجربه می‌کنند، بیشتر به اختلالات درونی (افسردگی، اضطراب، کناره‌گیری اجتماعی، روابط ضعیف با همسالان) مبتلا می‌شوند (USDHHS، ۱۹۹۶).

اعتیاد والدین موجب غفلت والدین نسبت به فرزندان و کاهش وابستگی میان آن‌ها می‌شود. در خانواده‌ای که والدین آن بزهکار باشند، روابط صمیمانه و یا انگیزش‌های عاطفی بین فرزندان و والدین دچار اختلال خواهد شد. وابستگی به منظور داشتن محبت و حساسیت نسبت به دیگران گفته می‌شود وابستگی عنصر اصلی و ضروری برای درون برد ارزش‌ها و هنجارها است به این ترتیب افرادی که به گروه‌های، اجتماعی مانند خانواده سخت وابسته‌اند احتمال کمتری هست که مرتکب اعمال بزهکارانه شوند ؛ به‌عبارت‌دیگر وابستگی‌های اجتماعی قوی به کاهش رفتار بزهکارانه منجر می‌شود زیرا این وابستگی‌ها فرد را نسبت به عقاید دیگر افراد، آگاه و حساس می‌کند. از سوی دیگر وابستگی شدید به گروه‌های بزهکار، دارای تأثیر عکس بوده و رفتار بزهکارانه را تشویق می‌کند لذا در خانواده‌ای که والدین یا یکی از آن‌ها معتاد باشد روابط صمیمانه یا انگیزش‌های عاطفی بین والدین و فرزندان و در نتیجه وابستگی وجود ندارد احتمال بزهکاری فرزندان بیشتر است (گل خندان، ۱۴۰۱).

گاهی اوقات عواقب سوءمصرف شدید و مداوم مواد از سوی والدین می‌تواند منجر به جدایی والدین و فرزند شود. این جدایی می‌تواند به دلیل زندانی شدن والدین، درمان طولانی‌مدت اعتیاد والدین یا مداخله محافظتی از کودک باشد که کودک را از محیط خانه ناامن یا پرخطر دور می‌کند و او را در مکانی خارج از خانه قرار می‌دهد. در برخی موارد نیز جدایی ممکن است به دلیل مرگ والدین ناشی از مصرف بیش از حد مواد، تصادف یا عوارض پزشکی ناشی از سوءمصرف مواد باشد (جادز و ادوو، ۱۹۹۷). هر گونه جدایی طولانی مدت کودک تأثیر منفی بر دلبستگی و عواطف او خواهد داشت و می‌تواند منجر به یک پاسخ ضربه‌ای بی‌تفاوت بودن یا بیش از حد برانگیختگی (ناتوانی در تمایز و پاسخ مناسب به محرک‌ها) شود. این اختلالات در سیستم واکنش اضطراری روانی مستقیماً با قربانی شدن و آسیب‌های بعدی مرتبط است و به‌طور قابل‌ملاحظه‌ای افزایش می‌یابد. کودکان بدرفتاری والدین مبتلا به سوءمصرف مواد به احتمال زیاد نتایج ضعیف‌تری از نظر جسمی، فکری، اجتماعی و عاطفی دارند (USDHHS، ۲۰۰۳).

۴- ۳- نقش اعتیاد والدین بر خشونت و استرس در خانواده

از تأثیرات دیگر سوء مصرف مواد بر والدین می‌توان به بدرفتاری با کودک یا سبک والدگری بیش از حد تنبیه و خشونت اشاره کرد (کلی و همکاران، ۲۰۱۰؛ لاندر و همکاران، ۲۰۱۱۳). مصرف مواد از جمله الکل موجب می‌شود که والدین تا سه برابر بیشتر با فرزندش بدرفتاری جنسی یا فیزیکی داشته باشند و این بدرفتاری‌های جنسی و فیزیکی موجب می‌شود تا در آینده فرزندانشان ۵۰ درصد بیشتر در اثر ارتکاب جرم در نوجوانی دستگیر شوند و ۴۰ درصد بیشتر احتمال شرکت در بزهکاری خشونت‌آمیز در آن‌ها وجود دارد. فرزندانی که بدرفتاری والدین را تجربه کرده‌اند بیشتر دچار اختلالات برونی شده درحالی‌که بچه‌هایی که مورد غفلت قرارگرفته‌اند بیشتر احتمال دارد دچار اختلالات درونی سازی شوند (لاندر و همکاران، ۲۰۱۳).

مشکل سوء مصرف پدر موجب بروز علائم افسردگی مادر و در نتیجه احتمال بیشتر بدرفتاری با کودک همراه است. هنگامی‌که پدر و مادر هر دو سوء مصرف داشته باشند میزان تأثیرات علائم افسردگی بر علیه کودک قوی‌تر خواهد بود (کلی و همکاران، ۲۰۱۵).

۵- نتیجه‌گیری

در این مطالعه سیستماتیک و متاآنالیز به بررسی پژوهش‌های انجام شده مرتبط با بزهکاری فرزندان و تأثیرپذیری آن از اعتیاد والدین و ساختار خانواده بود. نتایج مطالعه ما نشان می‌دهد که کودکانی که در معرض اختلالات بیرونی و رفتارهای نامناسب والدین از جمله اعتیاد قرار دارند از محیط تاثیرگرفته و احتمال رفتارهای بزهکارانه در آنان بیشتر می‌شود. بررسی مطالعات نشان داد اعتیاد والدین از سه جنبه شامل افزایش خشونت و استرس در خانواده، غفلت از فرزندان و کاهش پیوستگی خانواده می‌تواند بزهکاری را در فرزندان تقویت کند. البته آنچه در مطالعات بدان پرداخته نشده بود این بود که اعتیاد والدین از عوامل اجتماعی-اقتصادی از جمله تحصیلات والدین، سن پدر و مادر، مدت زمان مصرف مواد مخدر و غیره به چه میزان تأثیرپذیر است. درک بهتر اینکه آیا این عوامل چقدر می‌توانند بر شدت اثربخشی اعتیاد والدین و در نتیجه بزهکاری فرزندان تأثیر داشته باشند، شایسته تحقیقات آینده است.

منابع

- سلطانی، مهین، امیری، محسن، سلطانی، علی (۱۳۹۴)، «تأثیر اعتیاد و طلاق والدین بر بزهکاری فرزندان»، کنفرانس بین المللی پژوهش در علوم و تکنولوژی، دوره ۲
- فاطمی، داوود، رحیمی، عارف، سعادتی، موسی، عباس زاده، محمد (۱۳۹۵)، «بررسی نقش خانواده در بزهکاری فرزندان (مورد مطالعه: نوجوانان پسر شهر زنجان)»، پژوهش‌های راهبردی امنیت و نظم اجتماعی، دوره ۵، شماره ۱۴، صص ۵۰-۳۵
- فرزانه، سیف اله، ملانیاجلودار، شهرام، زمانی راد، اسماعیل (۱۳۹۴)، «بررسی عوامل خانوادگی مؤثر در گرایش نوجوانان ۱۸-۱۲ ساله به بزهکاری در کانون اصلاح و تربیت شهرستان گرگان» جامعه‌شناسی مطالعات جوانان، دوره ۱۸، شماره ۶، صص ۹۸-۷۳
- گل خندان، سمیرا (۱۴۰۱)، «رابطه ساختار خانواده با بزهکاری اطفال و نوجوانان، مطالعه میدانی در کانون اصلاح و تربیت استان اصفهان»، نشریه پژوهش‌های حقوق جزا و جرم‌شناسی، دوره ۱۰، شماره ۱۹، صص ۲۳۵-۲۰۷
- متقی قمصری، عطیه سادات، رستمی، رضا (۱۳۹۸)، «اعتیاد والدین، مشکلات فرزند پروری و آسیب‌شناسی روانی در فرزندان»، رویش روان‌شناسی، شماره ۶، صص ۱۶-۹
- Carbonneau, R., Tremblay, R. E., Vitaro, F., Dobkin, P. L., Saucier, J. F., and Pihl, R. O. (1998). Paternal alcoholism, paternal absence and the development of problem behaviors in boys from age six to twelve years, Journal of Studies on Alcohol, 59. pp. 387-398.
- Clark, D. B., Moss, H. B., Kirisci, L., Mezzich, A. C., Miles, R., and Ott, P. (1997). Psychopathology in preadolescent sons of fathers with substance use disorders, Journal of the American Academy of Child and Adolescent Psychiatry, 36. pp 495-502.
- Erikson, E. H., and Erikson, J. M. (1999). I cicli della vita. Continuità e mutamenti, Armando Editore.

- Fazel, S., Doll, H., and Långström, N. (2008). Mental disorders among adolescents in juvenile detention and correctional facilities: a systematic review and metaregression analysis of 25 surveys, Journal of the American Academy of Child and Adolescent Psychiatry, 47. pp. 1010-1019.
- Gabel, S., and Shindledecker, R. (1993). Parental substance abuse and its relationship to severe aggression and antisocial behavior in youth, American Journal on Addictions, 2. pp. 48-58.
- Gifford, E. J., Eldred, L. M., Evans, K. E., and Sloan, F. A. (2016). Criminally involved parents who misuse substances and children's odds of being arrested as a young adult: Do drug treatment courts mitigate the risk?, Journal of child and family studies, 25. pp. 2447-2457.
- Gonzales, N. A., Liu, Y., Jensen, M., Tein, J. Y., White, R. M., and Deardorff, J. (2017). Externalizing and internalizing pathways to Mexican American adolescents' risk taking, Development and psychopathology, 29. pp. 1371-1390.
- Grekin, E. R., Brennan, P. A., and Hammen, C. (2005). Parental alcohol use disorders and child delinquency: the mediating effects of executive functioning and chronic family stress, Journal of Studies on Alcohol, 66. pp. 14-22.
- Paschall, K. W., Gershoff, E. T., and Kuhfeld, M. (2018). A two decade examination of historical race/ethnicity disparities in academic achievement by poverty status, Journal of Youth and Adolescence, 47. pp. 1164-1177.
- Jaudes, P. K., and Ekwo, E. E. (1997). Outcomes for infants exposed in utero to illicit drugs. Child Welfare. pp. 521-534.
- Jolliffe, D., Farrington, D. P., Piquero, A. R., Loeber, R., and Hill, K. G. (2017). Systematic review of early risk factors for life-course-persistent, adolescence-limited, and late-onset offenders in prospective longitudinal studies, Aggression and violent behavior, 33. pp. 15-23.
- Jolliffe, D., Farrington, D. P., Piquero, A. R., Loeber, R., and Hill, K. G. (2017). Systematic review of early risk factors for life-course-persistent, adolescence-limited, and late-onset offenders in prospective longitudinal studies, Aggression and violent behavior, 33. pp. 15-23.
- Kam, J. A., and Middleton, A. V. (2013). The associations between parents' references to their own past substance use and youth's substance-use beliefs and behaviors: A comparison of Latino and European American youth, Human Communication Research, 39. pp. 208-229.
- Kelley, M. L., Lawrence, H. R., Milletich, R. J., Hollis, B. F., and Henson, J. M. (2015). Modeling risk for child abuse and harsh parenting in families with depressed and substance-abusing parents, Child abuse and neglect, 43. pp. 42-52.
- Lander, L., Howsare, J., and Byrne, M. (2013). The impact of substance use disorders on families and children: from theory to practice, Social work in public health, 28. pp. 194-205.
- Lemert, E. (2014). Beyond Mead: The societal reaction to deviance, In Understanding Deviance. pp. 212-218). Routledge.
- Lipari, R. N., and Van Horn, S. L. (2017). Children living with parents who have a substance use disorder.
- Lösel, F., and Farrington, D. P. (2012). Direct protective and buffering protective factors in the development of youth violence, American journal of preventive medicine, 43. pp. S8-S23.
- Malone, S. M., Iacono, W. G., and McGue, M. (2002). Drinks of the father: Father's maximum number of drinks consumed predicts externalizing disorders, substance use, and substance use disorders in preadolescent and adolescent offspring, Alcoholism: Clinical and Experimental Research, 26. pp. 1823-1832.

- Marmorstein, N. R., Iacono, W. G., and McGue, M. (2009). Alcohol and illicit drug dependence among parents: associations with offspring externalizing disorders, Psychological medicine, 39. pp. 149-155.
- Moylan, C. A., Herrenkohl, T. I., Sousa, C., Tajima, E. A., Herrenkohl, R. C., and Russo, M. J. (2010). The effects of child abuse and exposure to domestic violence on adolescent internalizing and externalizing behavior problems, Journal of family Violence, 25. pp. 53-63.
- Obot, I. S., and Anthony, J. C. (2004). Mental health problems in adolescent children of alcohol dependent parents: Epidemiologic research with a nationally representative sample, Journal of Child and Adolescent Substance Abuse, 13. pp. 83-96.
- Pardini, D. (2016). Empirically based strategies for preventing juvenile delinquency, Child and adolescent psychiatric clinics of North America, 25. pp. 257-268.
- Gibson, C. L., and Krohn, M. D. (Eds.). (2012). Handbook of life-course criminology: Emerging trends and directions for future research.
- Raninen, J., Elgán, T. H., Sundin, E., and Ramstedt, M. (2016). Prevalence of children whose parents have a substance use disorder: Findings from a Swedish general population survey, Scandinavian journal of public health, 44. pp. 14-17.
- Valeria, S., Hölzlhammer, L., and Valeria, V. (2020). Criminality, Substance abuse and Problematic Family Relations in Adolescence, Journal of Addiction Medicine and Therapeutic Science, 6. pp. 016-020.
- U.S. Department of Health and Human Services. (1996). National Center on Child Abuse and Neglect. Third national incidence study of child abuse and neglect (NIS-3) U.S, Government Printing Office; Washington, DC .
- U.S. Department of Health and Human Services. (2003). Children's Bureau. Child welfare information gateway: A bulletin for professionals. U.S, Government Printing Office; Washington, DC .
- Willoughby, T., Good, M., Adachi, P. J., Hamza, C., and Tavernier, R. (2014). Examining the link between adolescent brain development and risk taking from a social–developmental perspective (reprinted), Brain and cognition, 89. pp. 70-78.